

نگرانی های که باید جدی گرفته شود

مردم نگران اند، نگران از آینده مبهم و تاریک، نگران از تنهایی ها و ظلمت روزگار، نگران از بربریت و توحش، نگران از شنیدن صدای بمدستی، نگران از دیدن جنازه های تکه تکه شده عزیز و دلبندهش، نگران از فرو ریختن سقف خانه بر روی فرزندان و نگران از دسترخوان خالی و چشمان گود و فرو رفته کودکش که منتظر لقمه نان اند. به همین خاطر به استثنای عدای معدود و انگشت شمار که به همه چیز رسیده اند، به چهره سایر افراد جامعه که می بینی نگرانی خودنمایی می کند.

در یک نگاه کلی، مردم حق دارند نگران باشند حوادث دور و پیش اش در حال وقوع است که باید با چشمان باز آن را نظارت کرد و با آن حساس بود، بازار سیاست گرم گرم است یکی از حضور طالبان در قطر سخن می گوید حضور که ظاهراً به منظور یافتن راه حلی برای پایان دادن به این نگرانی ها که در بالا از آن نام برده شد، تعریف شده اند اما وقتی که می بینند پرچم سفید بر دیوار ساختمان مجلل بلند می شود که قبلاً معرف امارت اسلامی بود، وقتی که می بینند جای پرچم دولت مشروع و قانونی جمهوری اسلامی افغانستان خالی است، وقتی مشاهده می کنند که نماینده های طالبان با صراحت تمام از امارت اسلامی نام می برند و لوحه ای بزرگ به عنوان امارت اسلامی روی دیوار آن جای می گیرد و اثری از نماینده دولت مشروع و قانونی نیست، این نگرانی افزایش می یابد. چه؛ این هموطنان در زمان امارت اسلامی شاهد روزهای سخت و طاقت فرسا بودند اکثر قاطع این هموطنان قربانی های زیادی را متحمل شدند تعداد خانه و خانواده خود را از دست دادند، تعداد هم جنازه های جمعی فرزندان خود را با دستان خود به خاک سپردند، عروس و داماد در روز عروسی اش به جای اینکه راهی خانه بخت شوند همراه با تمام آرزو ها و امید هایش، زیر خوار ها خاک دفن گردیدند و همراه با آن تعداد دیگر از اعضای خانواده اش نیز جان باختند پدر بیچاره که جنازه های جمعی چهار فرزندش را دید، خود نیز از شدت غم و اندوه سخته کرد و جان باخت، از اثر حمله انتحاری در مسجد حین ادای نماز و یا حین تشیع جنازه ده ها هموطن به خون غلطیدند و ده ها حوادث از این دست سر خط خبر های روزمره ما را تشکیل می دهد، زمین های سوخته و فرو ریختن تندیس بودا را نیز نباید از یاد برد. مردم نگران می شوند که مبدا طرح روی دست گرفته شود که دوباره این دهشت افگان و تروریستان، در نتیجه معامله های پشت پرده تعداد از کشور ها، نمایان صلح خوانده شوند و بر مقدرات اتباع حاکم و بر گرده های شهروندان سوار شوند، مبدا با چماق و کبیل بر توده ها تاخته و امر و نهی نمایند.

آن دیگری از تجزیه افغانستان سخن می گوید، کشوری که بیش از سی میلیون جمعیت را در خود جای داده است، در گذشته های نه چندان دور قدرت های بزرگ را به زانو در آورده و امپراطوری ها را در هم شکسته است، امروز آنقدر ضعیف و ناتوان گردیده که همسایه جنوبی اش در حالیکه هنوز نوزاد بیش نیست، طرح تجزیه آن را می ریزد و با حمایت و تمویل از گروه های مختلف، افراطیون مذهبی و تروریستان دهشت افکن و بنیاد گراها از نزدیک به چهل سال بدین سو، زمینه های آن را فراهم می سازد چنانچه این نگرانی در گفته های رئیس جمهور افغانستان نیز به وضوح مشاهده می شد. رئیس جمهور کشور در کنفرانس مطبوعاتی خویش که با دیوید کامرون داشت، از طرح حکومت ملوک الطوائفی توسط پاکستان سخن گفت و از این بابت ابراز نگرانی کرد. در محافل سیاسی و مطبوعاتی نیز از طرح شمال دیموکرات و جنوب بنیاد گرا سخن رانده می شود اینکه این طرح تا چه حد برای تأمین امنیت و ثبات در این کشور ممد و مؤثر است، خود ده ها سوال و نگرانی را در پی دارد آیا با تطبیق این طرح، مهندسین آن قناعت خواهند کرد و یا خواسته هایش افزایش خواهند یافت و آن وقت شمال دیموکرات نیز به قسمت های مختلف دیگر چون تکنوکرات و دیموکرات تقسیم خواهند شد و در نتیجه کشور واحد و مستقل که فعلاً داریم به چند پارچه خورد و کوچک منقسم گردیده و اثری از افغانستان واحد، مستقل و غیرقابل تجزیه که در قانون اساسی از آن تذکر به عمل آمده، باقی نخواهد ماند. از سوی صدراعظم انگلستان پس از اینکه وعده همکاری پس از خروج نیرو هایش از این کشور، به رئیس جمهور کرزی می سپارد در پاکستان دشمن آن کشور را دشمن بریتانیا می خواند، در حالیکه به خوبی واقف است که روابط افغانستان با پاکستان چندان دوستانه نیست بل فضای دشمنی و مخاصمت میان دو کشور سایه افکنده است و روابط دوستانه را متأثر ساخته است. پس از این لحاظ در عین اینکه بریتانیا از افغانستان اعلام حمایت نمود، چند کیلو متر آن سو تر و پس از خروج از این کشور، دشمنی خود را با افغانستان ابراز داشت.

عده ای هم پس از ۲۰۱۴ را مایه جدی نگرانی خود می دانند البته در خلق این باور رسانه ها نقش بارز را ایفا نمودند رسانه ها خروج نیروهای خارجی و ختم مأموریت این نظامیان را مساوی به سقوط کامل افغانستان در کام تروریستان و دهشت افگنان قلمداد می کنند آن ها در تلاش آن اند تا افکار عامه را اینگونه خلق کنند و اعتماد مردم را نسبت به نیروهای امنیتی داخلی کاهش داده و بی باوری ها را نسبت به این نیروها افزایش دهند چنانچه فحواي نشرات بسیاری از این رسانه ها و تحت پوشش قرار دادن حملات انتحاری و انفجاری که از سوی مخالفین هراز گاهی سازمان داده می شوند به طور وسیع و همه جانبه و در بسیاری موارد بزرگنمایی این نوع حملات و برجسته ساختن ضعف نیروهای امنیتی، این امر را تداعی می کند.

در حالیکه اکنون ایجاب می نماید رسانه ها همسو با دولت افغانستان و طی یک پالیسی واحد، هموطنان را از نگرانی ها و افکار منفی رهانیده و به آینده با امن و ثبات امید دهند.

پایان